

الگوی معماری اسلامی آینده با خوانش مبانی طراحی در مسکن بومی قاجار

چکیده

هنر جلوه راستین ویژگی‌های فرهنگ هر ملتی است و شکوفایی هر تمدنی، بازتابش را از سنت گذشته در هنر می‌یابد. در این مقام، سنت اصول تبدیل ناپذیر است برگرفته از فرهنگ که تجلی آن در مقاطع مختلفی از زمان و مکان قابل مشاهده است. از این منظر هر اثر هنری که معماری نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ حاوی پیامی است که درک این پیام به معنی موفقیت در تفسیر اثر معنا می‌یابد. بخشی از این موفقیت مربوط به کشف ابعاد پنهان اثر (لایه‌های اجتماعی تاثیرگذار) و بخش دیگر آن مرهون فهم طراحی است. بنابراین بازشناسی و کاربست طرح‌های سنتی معماری می‌تواند امتدادی برای تداوم الگوهای معماری پیشین و حفظ داشته‌های فرهنگی باشد. رویکرد پژوهش کمی است و با راهبرد ترکیبی توصیفی-تحلیلی در نمونه‌های موردی و استدلال منطقی با استفاده از مبانی بینامتنی و تکنیک نحو فضا به تحلیل نظام فضایی (تعریف فضا، ترکیب و تمایز) در مسکن بومی قاجار اصفهان می‌پردازد. نتایج پژوهش گویای آن است که با نگاهی جامع‌نگر به سازمان فضایی معماری اسلامی و الگوهای مستخرج از آن، می‌توان به الگوی معماری مسکن درخور آینده معماری اسلامی ایران، دست یافت.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت مؤلفه‌های اجتماعی نظام فضایی مسکن بومی قاجار اصفهان.
۲. تسری ابعاد اجتماعی- فرهنگی آثار معماری گذشته به معماری معاصر.

سوالات پژوهش:

۱. طراحی تا چه میزان وابسته به شناخت آثار گذشته است؟
 ۲. در خلق آثار معماری معاصر چگونه می‌توان از آثار معماری گذشته بهره گرفت؟
- کلیدواژه‌ها:** هنر اسلامی، طراحی معماری، معماری اسلامی آینده، بازخوانی الگوی مسکن قاجار.

مقدمه

فرهنگ در تعاملات جامعه و عوامل شکل‌دهنده آن، چرخه‌ای از عوامل دو سویه را تشکیل می‌دهد که با علم، هنر، دین و اجتماع پیوندی ناگسستنی دارد. هنرمندان مسلمان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بسیاری از مضامین اخلاقی و مذهبی مشترک را در آثار خود منعکس ساخته‌اند، لذا فرهنگ سکونت در جامعه ایرانی را می‌توان بر پایه دو مؤلفه فرهنگ ملی و ارزش‌های مذهبی دانست که نمود آن را به خوبی می‌توان در معماری سنتی به عنوان تجلی‌گاه الگوهای بومی مشاهده نمود. این الگوها، واجد صفات ثابت و کهنگی‌ناپذیری است که برای پاسخگویی به شرایط زمانی و مکانی، تجسم‌های کالبدی متفاوتی داشته‌اند. با پیدایش معماری مدرن، این اصول بنیادین و ارزشمند، جایگاه مستحکم خود را از دست داد و جای آن را اصولی گرفت که هیچ انطباقی با ساختارهای هویتی این مرز و بوم ندارند. در این میان معماری مسکونی بیشترین آسیب را داشته است که با شناخت ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شاخص آن و رجوع دوباره به اصول و مبانی از دست رفته معماری پیشین، کشف و احیای ارزش‌ها می‌توان نسلی از معماری مسکونی اسلامی سرآمد خلق نمود که بتواند میراثی برای آینده معماری باشد. در این میان شناخت مسأله طراحی، پشتوانه‌ای بر اهمیت موضوع و نقشی مؤثر بر فهم موضوع خواهد داشت.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است با این حال آثاری به بررسی معماری خانه‌های بومی دوره قاجار پرداخته‌اند. زارعی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی الگوی طراحی خانه‌های تاریخی شیراز در دوره قاجاریه با رویکرد اقلیمی» به بررسی خانه‌های بومی قاجار در شهر تبریز پرداخته‌اند و آن را از نظر تناسب اقلیمی بررسی کرده‌اند. مقاله‌ای دیگر توسط لطیفی و دیبا با عنوان «داده‌کاوی ساختار فضایی مسکن بومی قاجار؛ نمونه موردی خانه جنگجویان اصفهان» به بررسی فضا و اهمیت چگونگی رخدادهای اجتماعی و فرهنگی در آن پرداخته است.

این پژوهش، با هدف رسیدن به شناختی نظام‌مند از طراحی و روابط فرم و فضا، در پی پاسخ به این پرسش است که طراحی تا چه میزان وابسته به شناخت آثار گذشته است؟ و در خلق آثار معماری معاصر چگونه می‌توان از آن بهره گرفت؟ به منظور پاسخگویی، بینامتنی به عنوان رهیافت پژوهش و تکنیک اسپیس سینتکس به منظور داده‌کاوی مبانی طرح (عملیات بینامتنی/ قاعده) از آثار بارزش گذشته (متن پنهان/ داده) و توسعه آن به نظام طراحی معاصر انتخاب شده است. در زمینه بینامتنیت، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ لیکن در تمامی موارد یک متن (اثر هنری) موجود با یک متن پیشین مقایسه گردیده و نمادهای اثر پیشین در اثر پسین مورد جستجو و نقد قرار گرفته است، همچنین در زمینه اسپیس سینتکس می‌توان به تمرکز بر داده‌کاوی در آثار اشاره نمود. در پژوهش پیش رو سعی گردیده است ضمن استخراج داده‌های کمی مربوط به ساختار پیکره‌بندی و جانمایی فضایی الگوهای موفق معماری اسلامی ایران؛ به عنوان یکی از اولین مراحل فرآیند طراحی معماری (رهبر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱)، این پژوهش از نوع کمی - مقایسه‌ای و رویکرد آن بر اساس نظریه نحو فضا و گراف‌کاوی با اندازه‌گیری پارامترهای فضایی نظیر ارزش هم‌پیوندی، عمق، کنترل، انتخاب و اتصال به عنوان لایه‌های پنهانی از روابط فضایی است. با استفاده از روش‌های داده محور به پیش‌بینی جانمایی فضایی و ترسیم چشم‌اندازی برای معماری آینده دست یافت.

نتیجه‌گیری

مطابق با چارچوب نظریه بینامتنیت و گفتمان معماری سرآمد، پاسخ به مسئله طراحی با تعامل و تأثیرپذیری از زمینه طرح؛ بالاخص آثار معماری باارزش گذشته و بازآفرینی آن بر پایه ژن‌مایه فضاهای پیشین در شکلی جدید مطابق با نیاز فضایی کاربر و همچنین قوانین و ضوابط جاری، می‌تواند فضا را آشنا، هویت‌مند و تبدیل به مکان نماید و منجر به حفظ و تداوم ارزش‌های معماری و ایجاد زیربنایی برای معماری آینده گردد. بدین منظور، اولین گام بازخوانی معماری باارزش ایرانی-اسلامی پیشین است که ابزارهای پیشرفته می‌تواند بستر مناسبی برای این موضوع فراهم آورد. اسپیس سینتکس به عنوان یک ابزار و تکنیک بر پایه مبانی زبان‌شناسی، جغرافیای فضایی، علم ریاضیات و نظریه گراف در استخراج ژن‌مایه‌ها و اصول بنیادین طرح از جمله شناخت قلمروها، ارتباطات فضایی، سطوح دسترسی و ارزش‌های دیگری از جمله هم‌پیوندی فضایی، انتخاب، کنترل و نظم درون سیستمی می‌تواند نقش کارآمدی ایفا نماید. از سویی با فراهم آوردن پایگاه داده‌ای از ارزش‌های معماری و الگوریتم‌نویسی، به کمک هوش مصنوعی می‌توان ضمن دریافت دسته‌ای از پاسخ‌ها به جای یک پاسخ، در مدت زمان کمتری به طرحی دست که در عین دارا بودن ژنوم معماری بومی، پاسخ‌گویی به نیاز و فرهنگ روز را نیز در خود داشته باشد.

این دو قابلیت یعنی کشف مفاهیم معماری گذشته و تولید پلان بر مبنای داده‌های استخراج یافته از معماری پیشین می‌تواند نقش مؤثری در تداوم و حفظ هویت معماری ایفا نماید و این توانایی را فراهم آورد که معماری امروز ضمن حفظ و تداوم ارزش‌های فضایی معماری گذشته، به عنوان یک معماری سرآمد و میراثی گران‌بها برای معماری آینده مطرح گردد. با نگاهی به پاسخ‌های نرم‌افزار در شکل شماره ۶ جمع‌بندی نهایی را می‌توان این‌گونه بیان نمود: آنچه فضای معماری باارزش پیشین را از دیگر فضاها متمایز می‌کند، ساختارهای فیزیکی نیست؛ بلکه ارزش‌های کیفی فضا از جمله تناسب، دید و منظر، وجود فضای شفاف و نیمه شفاف در دل توده فضایی، رعایت قلمروهای فضایی، جانمایی مناسب فضاها و ارتباط فضایی مطلوب است.

منابع:

آهویی، صادق؛ احمدی‌دیسفانی، یداله و کلانتری‌خلیل آباد، حسین. (۱۴۰۰). بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌ساز. هنر اسلامی، دوره هیجدهم، شماره ۴۱، doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/IAS.۲۰۲۰,۲۱۹۸۵۱,۱۱۹۰

آلن، گراهام. (۲۰۰۵). بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز. اسلامی، سید غلامرضا و شاهین راد، مهنوش. (۱۳۹۱). بازشناسی اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی. کیمیای هنر، سال اول، شماره ۲، ۴۱-۶۴.

اسلامی‌محمودآبادی، شیماء؛ مفیدی‌شمیرانی، سیدمجید و حبیب، فرح. (۱۳۹۹). بررسی اصول معماری مسکن بومی اقلیم گرم و خشک ایران با رویکرد تأثیر شکلی بنا در ارتقاء آسایش حرارتی استفاده‌کنندگان از بنا. هنر اسلامی، دوره هفدهم، شماره ۴۰، ۱۴۶۳,۲۶۱۳۱۷,۲۰۲۱,۲۲۰۳۴/ias. doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/ias.۲۰۲۱,۲۶۱۳۱۷,۱۴۶۳,۴۰

الکساندر، کریستوفر. (۱۹۶۴). یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم. ترجمه سعید زرین‌مهر. تهران: روزنه. امرایی، بابک. (۱۳۸۹). کالا- نشانه: بررسی پیشینه و مفاهیم ارزش نشانه‌ای کالا با مطالعه ارزش نشانه‌ای آن در صنایع دستی ایران، در: نشانه‌شناسی فرهنگ. تهران: سخن.

- امرای، بابک. (۱۳۹۳). تحلیل بینان‌شانه‌ای روابط فرم و فضا. هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره نوزدهم، شماره ۴، ۳۶-۲۵.
- انصاری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). مولدها و پردازشگرها در فرآیند طراحی معماری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره اول، شماره ۳۹، ۱۴-۵.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، دوره سی‌ام، شماره ۱۳۴، ۱۸-۳.
- تندی، احمد؛ امرایی، بابک. (۱۳۹۸). بازنگری در نظریه طراحی به مثابه یک نظام تحلیل محتوای مطالعات روش‌شناسی طراحی معاصر. مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۷، ۱۴۱-۱۵۴.
- چرخچیان، مریم. (۱۳۹۸). تداعی‌های ذهنی در شناخت شاخصه‌های معماری اسلامی. هنر اسلامی، دوره پانزدهم، شماره ۳۵، ۹۸-۷۰.
- حاجیان، مینا؛ علی‌تاجر، سعید و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۹). تاثیر حیاط در شکل‌گیری پیکربندی خانه‌های سنتی ایران در کاشان. آرمان‌شهر، دوره سیزدهم، شماره ۳۰، ۵۵-۴۳.
- حسینی، کیانوش؛ نوروزبرازجانی، ویدا و نصیرسلامی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بازخوانی فرم حیاط و فضاهای وابسته آن با استفاده از دستور زبان شکل در معماری در یکصد خانه دوره قاجار شهرکاشان. باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۴۴، ۷۶-۶۵.
- حناچی، پیروز و فدایی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۰). تدوین چهارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه درباخت‌های فرهنگی-تاریخی. هنرهای زیبا، دوره سوم، شماره ۴۶، ۲۶-۱۵.
- رحیمی‌اتانی، سمیرا و پناهی، سیامک. (۱۳۹۵). خوانش بینامتنی آثار برنارد چومی با تاکید بر مفهوم فضای بینابین. پژوهش هنر، شماره ۱۱، ۱۱۳-۱۲۱.
- رحیمی‌اتانی، سمیرا؛ بذرافکن، کاوه و رئیسی، ایمان. (۱۳۹۷). شیوه نوین خوانش متن معماری مبتنی بر نظریه بینامتنیت: (نمونه موردی: مسجد الغدیر). فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، شماره ۱، ۶۷-۵۳.
- رهبر، مرتضی و مهدوی‌نژاد، محمدجواد و بمانیان، محمدرضا و دوائی‌مرکزی، امیرحسین. (۱۳۹۸). تبیین پارامترهای پایداری محیطی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی. معماری و شهرسازی پایدار، شماره ۲، ۱۶۹-۱۸۲.
- رهبر، مرتضی و همکاران. (۱۳۹۹). الگوریتم سی‌گن در تولید نقشه حرارتی جانمایی فضایی در طراحی معماری. آرمان‌شهر، دوره سیزدهم، شماره ۳۲، ۱۳۱-۱۴۲.
- ریوقی، عبدالحمید. (۲۰۰۹). مقاربات بین النقد الغربی الحدیث و النقد العربی القدیم: التناص أنموذجاً. مجله در اسات ادبیه، العدد الثانی. ۱۲۰-۸۲.
- سالی‌نگروس، نیکاس‌آنجلوس. (۲۰۰۰). ساختار زبان‌های الگو. ترجمه سعید زرین‌مهر. فصلنامه تحقیقات معماری، جلد چهارم. تهران: کتابناک.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۳). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر قصه.
- ظفرنویایی، خسرو. (۱۳۹۶). بررسی مفهوم عرفانی «فضای تهی» در معماری اسلامی- ایرانی. هنر اسلامی، دوره سیزدهم، شماره ۲۷، ۷۴-۵۷.
- عباس‌زادگان، مصطفی. (۱۳۸۱). روش چیدمان فضا در فرآیند طراحی شهری با نگاهی به شهر یزد. مدیریت شهری، دوره سوم، شماره ۹، ۷۵-۶۴.

- عزام، محمد. (۲۰۰۵). شعریه الخطاب السردی. دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، الطبعة الأولى.
- علوی زاده، سیده الهام؛ اسلامی، سید غلامرضا و حبیب، فرح. (۱۳۹۷). تبیین الگوی شبه-فرکتال در ساختار زمینه محور بازارهای سنتی ایرانی. هنر اسلامی، دوره چهاردهم، شماره ۲۹، ۵۷-۲۸.
- علی تاجر، سعید و همکاران. (۱۳۹۸). سنجش اجتماع پذیری محیط شهری از طریق تطبیق نقشه های شناختی و نقشه های پیکره بندی فضایی. آرمانشهر، دوره دوازدهم، شماره ۲۷، ۱۰۹-۹۹.
- گروتر، یورگ. (۱۹۸۷). زیباشناختی در معماری. ترجمه جهان شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لاری پور، نگین؛ دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). تحلیل نشانه شناسی صورت و معنا در مسجد وکیل شیراز. هنر اسلامی، دوره پانزدهم، شماره ۳۳، ۹۷-۷۰.
- لطیفی، محمد؛ دیبا، داراب. (۱۳۹۹). داده کاوی ساختار فضایی مسکن بومی قاجار؛ نمونه موردی: خانه جنگجویان اصفهان. نقش جهان، دوره دهم، شماره ۳، ۱۶۳-۱۷۱.
- لاسون، برایان. (۲۰۰۵). آنچه طراحان می دانند. ترجمه محمدرضا شاهی. تهران: یزدا.
- مسعود، محمد و بیگزاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). بناهای میان افزا در بافت های تاریخی. تهران: آذرخش.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۷). مکان. هویت شهر، شماره ۲، ۷۹-۶۹.
- معماریان، غلامحسین و همکاران. (۱۳۹۱). بازشناسی روش آموزشی تاریخی- تکاملی مدرسه موراتوری در کارگاه طراحی مجموعه های مسکونی. فناوری آموزش، دوره ششم، شماره ۳، ۲۵۵-۲۴۳.
- مهدوی نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا و ملایی، معصومه. (۱۳۹۰). فرآیند طراحی زمینه گرا-تجربه معماری ۱۳۸۸-۸۹. نقش جهان، دوره اول، شماره ۱، ۳۴-۲۱.
- مهدوی نژاد محمدجواد. (۱۳۹۵). گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر. هویت شهر، شماره ۳۰، ۶۸-۵۹.
- مهدوی نژاد محمدجواد. (۱۳۹۵). در جستجوی معماری سرآمد: ظرفیت های معماری معاصر ایران برای تبدیل به میراثی برای آینده. آرمان شهر، دوره نهم، شماره ۱۷، ۱۳۸-۱۲۹.
- میرزائی، فرامرز؛ واحدی، ماشاالله. (۱۳۸۸). روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، شماره ۲۵، ۳۲۲-۲۹۹.
- موسی، خلیل. (۲۰۰۰). قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه ها و کاربردها. تهران: نشر سخن.
- نادری، فرهاد؛ نادری، سمیه. (۱۳۹۷). کاربرد نظریه ترامتنیت ژنت در کشف و واکاوی تاثیرپذیری کوش نامه از شاهنامه. متن شناسی ادب فارسی، شماره ۱، ۱۸۷-۱۶۹.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن ها. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، ۹۸-۸۳.
- نقره کار، عبدالحمید؛ رئیسی، محمدمنان. (۱۳۹۰). تحلیل نشانه شناختی سامانه مسکن ایرانی برپایه ارتباط لایه های متن/ مسکن. هنرهای زیبا، دوره دوم، شماره ۴۶، ۱۴-۵.
- وعدالله، لیدیا. (۲۰۰۵). التناس المعرفی فی شعر عزالدین المناصره. القاهره: دارالمنذلوی.
- Culler, J. (۱۹۸۱). *The Pursuit of Sings*. London: Routledge.

Dawes, M. J. & Ostwald, M. J. & Lee, J. H. (۲۰۲۱). Examining control, centrality and flexibility in Palladio's villa plans using space syntax measurements. *Frontiers of Architectural Research*, <https://doi.org/10.1016/j.foar.۲۰۲۱.۰۲.۰۰۲>.

Hillier, B. & Hanson, J. (۱۹۸۴). *The Social Logic of Space*. New York: Cambridge University Press.

Hillier, B. & Hanson, J. (۲۰۰۳). *The Social Logic of Space*. Transferred to Digital Printing, Cambridge University Press.

Johanson, J. D. & Larsen, S. E. (۲۰۰۲). *Signs in Use*. London: Routledge.

Lee, J.H. & Ostwald, M.J. (۲۰۲۰). *Grammatical and Syntactical Approaches in Architecture: Emerging Research and Opportunities*.

Nourian, P. & Rezvani, S. & Sariyildiz, S. (۲۰۱۳). A syntactic design methodology: Integrating real-time space syntax analysis in a configurative architectural design process. Ninth International Space Syntax Symposium. Seoul: Sejong University.